

# امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام علی (علیه السلام)

سید علاءالدین شاهرخی

## مقدمه

در بیش تر جوامع بشری افراد اندیشمند و صاحب نظر، برای خود و دیگران مجموعه‌ای از «بایدها» و «نبایدها»ی رفتاری را ترسیم می‌کنند. این موضوع در علم جامعه‌شناسی بدین صورت توجیه و تبیین شده است که هر جامعه‌ای برای تداوم بقا و ضمانت مناسبات منطقی در بین افراد خود، مجموعه‌ای از قوانین و اصول نانوشته و نوشته را در نظر می‌گیرد که عموماً از آن با عنوان «ارزش‌ها» یاد می‌شود. پاسداری از ارزش‌های اجتماعی بر عهده همه افراد جامعه است که گسترش و ترویج آن به «امر به خیر و معروف» و جلوگیری از فروپاشی آن به «نهی از منکر» تعبیر می‌گردد.

در سال‌های اخیر، در جامعه ما فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای فردی و اجتماعی مطرح و نهادینه شده است. در واقع

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نه تنها دگرگونی سیاسی را به دنبال داشت، بلکه حاصل مجموعه گسترده‌ای از تغییرات اجتماعی و فرهنگی بود. ایجاد مشکلات متعدد از سوی بعضی عوامل داخلی و خارجی در برابر انقلاب و بویژه تحمیل جنگ هشت ساله، موجب شد تا اهتمام مسئولان به رفع موانع فوق‌تمرکز یابد. با خاتمه جنگ و افزایش توجه دولت به مسائل اجتماعی - اقتصادی و همچنین رشد سریع جمعیت جوان کشور، به تبع شرایط جدیدی بر جامعه حکمفرما شد؛ خصوص اینکه پیشرفت‌های فناوری رسانه‌های جمعی، چشم‌انداز جدیدی را در جلوه‌های فرهنگی فراروی جوانان نهاد.

در اینجا باید متذکر شد فریضه امر به معروف و نهی از منکر، میدان وسیعی از حوزه‌های رفتارهای فردی و اجتماعی را شامل می‌شود، لذا طبعاً توجه بیش‌تر بدان نه تنها در رفع معضلات فوق، بلکه بر بسیاری از جنبه‌های دیگر حمایت‌های فردی و اجتماعی ما، اثر مهمی می‌گذارد.

می‌توان انقلاب اسلامی ایران را یکی از ثمرات مهم اصول امر به معروف و نهی از منکر در جنبه‌های سیاسی و حکومتی دانست که برای حفظ و گسترش آن باید واقع‌بینانه بدان اصول تمسک جست.

مطالعه و تحقیق درباره آن اصول و شیوه‌های توسعه آن می‌تواند از راه‌های مختلفی ارزیابی شود. قرآن و سنت ائمه معصوم (علیهم‌السلام) انوار درخشانی را بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر تابانید و در این میان امام علی (علیه‌السلام) را که از همان اوان کودکی در مکتب پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرورش یافت و در تمام مراحل بعثت، دوشادوش آن حضرت قرار داشت - و به تعبیری «قرآن ناطق» است - می‌توان به عنوان میزانی بس ارزشمند در باب شناخت آن فریضه برگزید.

## معروف و منکر در لغت و اصطلاح

واژه معروف از ریشه «عرف» به معنای شناخته شده و مشهور و نیز نیکی و کار نیک، و واژه منکر مشتق از «انکار» و «نکر» به مفهوم کارهای زشت و نامشروع و ناپسند است.<sup>۱</sup>

معروف در اصطلاح به کاری اطلاق می شود که حسن آن را عقل و یا شرع شناخته باشد و منکر اصطلاحاً عبارت از فعلی است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند.

به اولی از آن جهت معروف، یا شناخته شده، گفته اند که فطرت پاک آدمی با آن آشنا و مأنوس است و آن را می پذیرد ولی دومی چون با سرشت انسان بیگانه و نامأنوس است منکر و ناشناخته نام گرفته است.<sup>۲</sup>

## امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

در کلام الله مجید، آیات بسیاری در باب وجوب و اهمیت این تکلیف اسلامی وجود دارد که ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می کنیم:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.<sup>۳</sup>

[باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی و خیر فراخوانند و به معروف امر کنند و از منکر بازدارند. اینان رستگاران اند.]

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَ

۱. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۲۵-۱۳۵۹ ه.ش. لغت نامه. [زیر نظر محمد معین]. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ذیل واژه های «معروف» و «منکر».

۲. امر به معروف و نهی از منکر. ۱۳۷۶ ه.ش. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی

ولی فقیه در سپاه. ص ۳۶. ۳. قرآن: آل عمران / ۱۰۴.

رَسُولُهُ أَوْلَيْكَ سَيَرَّحْمَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.<sup>۱</sup>  
 [مردان و زنان مؤمن، دوستان یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمانبرداری می‌کنند. خداوند آنان را رحمت خواهد کرد که خدا عزیز و حکیم است.]

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ.<sup>۲</sup>  
 [کسانی که از رسول خدا، پیامبر امی که نامش در تورات و انجیل آمده است، پیروی می‌کنند. آن که آنان را به معروف امر می‌کند و از منکر بازشان می‌دارد.]

این آیات و بسیاری دیگر که درباره امر به معروف و نهی از منکر وارد شده است، گویای آن است که اجرای این فریضه به عنوان یک وظیفه اجتماعی، برای جلوگیری از اشاعه و رشد فساد، بر هر مؤمنی لازم است و این تنها مسئله‌ای اخلاقی نیست. قرآن همچنین حیات واقعی جامعه اسلامی را در گرو همین امر به معروف و نهی از منکر می‌داند.

در واقع با اجرای کامل این تکلیف و وظیفه مهم، می‌توان زمینه‌های فعالیت دشمنان خدا و مردم را در جامعه از بین برد و سنت پیامبرگرامی اسلام را زنده نگاه داشت و در پناه قرآن کریم، محیطی سالم را پدید آورد تا در آن نسلی به دور از آلودگی‌های موجود در بسیاری از جوامع انسانی، پرورش یابند.

قرآن مجید علاوه بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه اساسی هر مسلمانی می‌داند، مصادیق متعددی را نیز از هریک ذکر می‌نماید که از مصادیق «معروف» عبارت است از: ایمان به خداوند متعال، اعتقاد به

عدالت الهی، اهتمام به اقامه نماز، پرداختن خمس و زکات، تقوا و پرهیزگاری، احسان به پدر و مادر، اخلاق و رفتار نیک، فروبردن خشم، صلّه رحم، انفاق، قناعت، وفای به عهد و جهاد در راه خدا؛ و از مصادیق «منکر» در کتاب خدا، می توان کفر به اصول و فروع دین، فروختن دین به دنیا، دروغ‌گویی، سهل‌انگاری در نماز، ترویج فساد و ابتذال، بخل و عدم انفاق، خیانت، ظلم، شرارت و فتنه‌گری، حیف و میل بیت‌المال و رشوه‌خواری را برشمرد.

#### امر به معروف و نهی از منکر در سیره معصومان (علیهم‌السلام)

حیات بشری در طول تاریخ خود مراحل مختلفی را گذرانده است. برخی بر مسند قدرت نشسته و گاه با ادعای خدایی یا نمایندگی او، مردم را به خدمت خود گمارده و جامعه را به فساد و تباهی کشانده‌اند. اما، به عکس، همیشه انسان‌های شاخص هم در بین مردم وجود داشتند که از جانب خداوند متعال به پیامبری مبعوث شده‌اند تا حسب وظایفشان به نجات امت از ظلم ستمکاران و هدایت آنها در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت پردازند.

پروردگار متعال پیامبران خود را از بین آنهایی برگزید که از روحی بلند، متانت، شکیبایی و گذشت برخوردار بودند، و البته لطف حق در باب اعطای این صفات حسنه، همواره شامل حال پیامبران و معصومان (علیهم‌السلام) بوده است؛ به گونه‌ای که پیغمبران الهی با سلاح اخلاق نیک، صبر و استقامت، نه تنها حکومت‌های فاسد و مستکبر را به زانو درآوردند بلکه توانستند امت را نیز از محیط فاسد و آلوده برهانند.

قرآن کریم درباره علت جاذبه پیامبر اکرم در بین مردم می‌فرماید:

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ.

[به سبب رحمت خدا است که تو با مردم خوشخو و مهربان هستی. اگر سخت دل و تندخو می‌بودی (هرآینه) مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند.]

اخلاق عالی و تقید کامل پیامبر اسلام و سایر معصومان (علیهم‌السلام) موجب شد تا علی‌رغم تلاش منحرفان و فاسدان، همواره افراد مؤمن و مقید در جامعه حضور داشته باشند و نور ایمان و تقوا خاموش نماند؛ عمّار یاسر، اویس قرنی، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مالک اشتر نخعی، کمیل بن زیاد نخعی و سلیمان بن مرد الخزاعی و امثال ایشان، از زمره چنین افرادی محسوب می‌شوند.

علاوه بر سیره عملی نبی اکرم و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) که در آن حد‌اعلای قیام به معروف و دوری از منکر مشاهده می‌شود، در گفتار آنان نیز تأکیدات فراوانی بر این قضیه مهم صورت گرفته است که بیان و بررسی همگی آنها خود مقاله‌ای مستقل را می‌طلبد ولی در اینجا به مواردی از آنها، به اختصار اشاره خواهیم کرد.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به یاران خود فرمود:<sup>۱</sup>  
چه‌گونه هستید آن زمانی که زانتان فاسد و جوانانتان فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ گفتند: آیا چنین زمانی می‌رسد؟ فرمود: بله، و بدتر از آن اینکه زمانی می‌رسد که به منکر امر می‌کنید و از خوبی نهی می‌کنید. گفتند: آیا چنین چیزی اتفاق می‌افتد؟ فرمود: بله، و بدتر از آن اینکه زمانی می‌رسد که معروف در میان شما به منکر و منکر

۱. مجلسی، محمدباقر. ۱۳۶۰ هـ. بحارالانوار. ترجمه موسی خسروی. تهران: کتابفروشی اسلامیة. ج ۱، ص ۷۴.

در میان شما به معروف تبدیل شود.

اهمیت این موضوع در نظر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) تا آنجا بود که ایشان در سخنان خود، از مردم می‌خواست تا امر به معروف و نهی از منکر را هیچ‌گاه ترک نکنند. شخصی به رسول خدا عرض کرد: «ما به معروف امر نمی‌کنیم تا همه معروف‌ها را به‌جا آوریم و نهی از منکر نیز نمی‌کنیم تا از همه آنها باز ایستیم.» حضرت فرمود: «به معروف امر کنید، اگرچه همه را به‌جا نمی‌آورید و از منکر نهی نمایید، گرچه همه را ترک نمی‌کنید.»<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:<sup>۲</sup>

فَرَضَ اللَّهُ...، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَضْلِحَةٌ لِلْعَوَامِّ، وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلشُّهَاءِ.

[خداوند امر به معروف را برای اصلاح عوام و نهی از منکر را برای جلوگیری از کم‌خردان واجب گردانید.]

امام محمد باقر (علیه السلام)، انجام‌دهندگان این تکلیف را از مأموران

الهی می‌داند و می‌فرماید:<sup>۳</sup>

امر به معروف و نهی از منکر، دو آفریده الهی هستند که هرکس آنها را یاری کند، خدا یاریش می‌کند و هرکه آن‌دو را تنها گذارد، خدا تنهاش می‌گذارد.

امام علی، الگوی کامل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در سیره رفتاری و کرداری امام‌المتقین تجلی

۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن. ۱۳۸۳ هـ.ق. وسائل الشیعه. تهران: مکتبه الاسلامیه. ج ۱۱. ص ۴۲۰.

۲. نهج البلاغه. بی‌تا. ترجمه و شرح سیّدعلینقی فیض‌الاسلام، تهران: مکتبه الاسلامیه. «حکمت

۳. حرّ عاملی، همان، ص ۳۹۸. ۲۴۴».

عینی یافته بود. چه حضرت به آنچه امر می فرمود، خود عامل بدان بود و از آنچه نهی می فرمود، خود از آن امتناع می ورزید. امام به افرادی که در این امر بسیار مهم تنها حرف می زنند و اهل عمل نیستند انتقاد کرده و فرموده است:<sup>۱</sup>

لعنت بر کسانی که امر به معروف می کنند و خود عامل بدان نیستند، و لعنت بر آنان که نهی از منکر می نمایند اما خودشان آن را انجام می دهند. وصی و جانشین پیامبر اکرم در تمام مصادیق معروف، خود پیشتاز است که در این مختصر تنها به بیان نمونه هایی از آن بسنده می کنیم.

### الف) زهد امام و نهی ایشان از گرفتار شدن در گرداب مادیات

یکی از مصادیق بسیار مهم «معروف» در سخنان و کردار حضرت علی (علیه السلام) بی توجهی و عدم اُنس با دنیای مادی است. لذا در نامه ای خطاب به عمرو بن عاص می فرمایند:<sup>۲</sup>

دنیا آدمی را از کارهای دیگر باز می دارد و دلبسته به دنیا، با حرص گرفتار آن است. هر چیزی که از آن به دست می آید، موجب آز بیش تر می شود و از آنچه به دست نیاورده یا چیزی که به دست آورده است، بی نیاز نمی شود و از آن پس هم از آنچه تحصیل کرده است، باید جدا شود.

امام علی (علیه السلام) در فرصت های مختلف بر این امر تصریح فرموده است و به لحاظ نحوه عملکرد نیز خود چهره درخشان زهد و پرهیز از دنیاگرایی است؛ خصوص آنکه پس از رسیدن به مقام خلافت و

۱. شریف رضی، محمدبن حسین. ۱۳۷۸ ه.ش. نهج البلاغه. ترجمه مصطفی زمانی. تهران: انتشارات نبوی. ص ۳۰۱.

۲. دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود. ۱۳۶۴ ه.ش. اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی. ص ۲۰۳.



در حالی که سرزمین‌های وسیعی در تصرفشان بود، همچنان بر همان منوال سابق زندگی می‌فرمود. ابن ابی‌الحدید درباره نحوه زندگانی حضرت این‌گونه می‌نویسد:<sup>۱</sup>

او هرگز از خوراکی سیر نخورد و از همه مردم در خوراک و پوشش خشن‌تر بود... جامه‌های او گاه با قطعه پوستی وصله خورده بود و گاه با لیف خرما و کفش‌هایش نیز از لیف خرما بود. همواره کرباس خشن می‌پوشید و اگر آستین پیراهنش را بلند می‌یافت آن‌را با کارد می‌برید...، علی (علیه‌السلام) است که دنیا را طلاق داده است و با آنکه اموال از تمام سرزمین‌های اسلامی جز شام به سوی او گسیل می‌شد، همه را بخش و پراکنده می‌کرد.

### ب) تقوای الهی و نهی از بی‌تقوایی

تقوای الهی و امساک از گناهان، در رأس «معروف»ها قرار دارد و به نوعی می‌توان ریشه همه آنها را در تقوا جست و متقابلاً تمام منکرات، به جهت ناشی از بی‌تقوایی است. علی (علیه‌السلام) بر موضوع تقوا تأکید خاصی نموده و آن‌را بهترین کارها نزد خداوند دانسته و فرموده است:<sup>۲</sup>

شما بندگان خدا را به پرهیزکاری دعوت می‌کنیم؛ زیرا پرهیزکاری بهترین اموری است که بندگان خدا را بدان سفارش می‌کنند و بهترین کارهای به ثمر رسیده در نظر پروردگار است.

آنچه در کلام و اعمال امام تجسّم عینی دارد، تقوای الهی و لزوم پرهیز از پیروی هوای نفس است که در خطبه‌ها و فرمان‌های حکومتی ایشان، بارها بر این امر تصریح شده است. از آن جمله خطاب به ابن عباس می‌فرماید:<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید. ۱۳۶۷ ه.ش. جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی. ج ۱. ص ۲۲.

۲. شریف رضی، همان، ص ۴۲۱.

۳. مفید، شیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان. ۱۳۶۷ ه.ش. نبرد جمل. ترجمه محمود

...از هوای نفس بپرهیز که تو را از راه حق باز می‌دارد و بدان آنچه به خداوندت نزدیک کند، تو را از آتش دور سازد و...، خدا را بسیار یاد کن و از غافلان مباش.

در سیره عملی آن حضرت، اوج تقوا نمایان است و هر انسانی را در برابر این خویشتن‌داری ایشان نسبت به جاذبه‌ها و لذایذ دنیوی متحیر می‌سازد تا بدانجا که جورج جرداق مسیحی، کتاب خود را - موسوم به امام علی، صدای عدالت انسانی - با ویژگی عدالت امام‌المتقین می‌نگارد و بسیاری دیگر از مستشرقان و اسلام‌شناسان غیرمسلمان هم بر این امر تصریح نموده‌اند. با اینکه سخن گفتن در این بُعد از ابعاد وجودی امام نیز مجال بسیاری را می‌طلبد، اما لازم است دست‌کم به جهاتی از آن اشاره نماییم. علی (علیه‌السلام) شبی از لیالی ماه مبارک رمضان مهمان دختر خود، ام‌کلثوم، بود. فرزند برای پدر دو قرص نان جوین و کاسه‌ای از شیر را در طبقی نهاد و آن را همراه با مقداری نمک، پیش گذارد. امیرالمؤمنین چون از نماز فراغت یافت و به طبق نگرست، فرمود: ای دخت من، در یک طبق دو نان خورش حاضر می‌کنی! مگر نمی‌دانی که من به راه پسرعموی خود، رسول خدا، می‌روم؟ مگر نمی‌دانی در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عذاب؟ به خدا سوگند افطار نمی‌کنم تا از این دو خورش جز یکی را برجای نگذاری.

ابوالاسود دوئلی می‌گوید:<sup>۱</sup>

بعد از آن - پیروزی امام در جنگ جمل - علی را دیدم که بر بیت‌المال بصره وارد شد و همین که بدانچه در آن بود نگرست، گفت: «ای زردها و سپیدها! کس دیگری غیر از مرا فریب دهید. مال، پیشوای ظلمت و تاریکی است و من پیشوای مؤمنانم». به خدا سوگند که علی نه به آنچه

در بیت‌المال بود توجه کرد و نه درباره آنچه دید، اندیشید و من آن اموال را در نظرش همچون خاک بی مقدار دیدم.

تقوای الهی، در عملکرد سیاسی امام نیز کاملاً بازتاب دارد و برخلاف خلفای دیگر که حسب مصلحت خود اقدام می‌کردند، علی (علیه‌السلام) سخت مقید به شریعت بود و هیچ عملی خلاف شرعی را انجام نمی‌داد، حتی اگر به ضرر ایشان منجر می‌شد. از این رو هنگامی که شنید دشمنان، او را بی تدبیر و بی سیاست می‌خوانند، فرمود:<sup>۱</sup>

اگر دین و تقوا نبود و اگر ناپسندی و مکر و خدعه نبود، من از زیرک‌ترین مردم بودم.

امیرالمؤمنین در آستانه جنگ‌های خود، برخلاف سایر حکام و سلاطین که تنها به فکر حفظ مقام خود هستند، خطاب به سربازانش می‌فرماید: «ای بندگان خدا، تقوای الهی را پیشه سازید.»<sup>۲</sup>

### ج) ذکر خدا و دوری از غفلت

حضرت علی (علیه‌السلام) ذکر خدا را از ارکان مهم امر به معروف، و غفلت از پروردگار را عاملی برای رواج منکر می‌داند. به رغم تصور برخی هدف از ذکر خدا، تنها به زبان جاری ساختن آن نیست بلکه آن انس با خداوند است که خود آثار گسترده‌ای را بر زندگی شخصی و اجتماعی می‌گذارد. امام در این باره چنین فرموده است:<sup>۳</sup>

ذکر خدا حامیان خاصی دارد که به جای دنیا، با قوت به ذکر خدا تمسک

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید. ۱۹۶۱م. شرح نهج البلاغه، مصر. ج ۱۱. ص ۲۱۱.

۲. مزاحم المنقری، ابوالفضل نصرین مزاحم. ۱۳۶۴ ه.ش. واقعه صفین در تاریخ. ترجمه کریم زمانی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ص ۱۲۰.

۳. شریف رضی، همان، ص ۵۳۸.

جسته‌اند؛ نه تجارت و نه خرید و فروش آنان را از ذکر پروردگار باز نمی‌دارد. در طول زندگی ذکر خداوند را مونس خود قرار داده‌اند و با ذکر هم‌او از کارهای حرام جلوگیری می‌کنند. در گوش غافلان فریاد می‌زنند، عدالت را به پای می‌دارند و بدان عمل می‌کنند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند.

امام ریشه بسیاری از منکرات را در بی‌خبری از خدای متعال می‌داند و از نظر ایشان کسی که دچار غفلت از خالق هستی بخش می‌شود، تمام زندگانی خود را حول محور دنیای مادی و تنعمات آن قرار می‌دهد. حضرت درباره این‌گونه افراد می‌فرماید:<sup>۱</sup>

سود (طاعتِ خدا) در نظرش زیان است و خسارت (نافرمانی خدا) در نزدش سود. از مرگ می‌هراسد اما فرصت را غنیمت نمی‌شمارد. گناه دیگری را بزرگ می‌انگارد در صورتی که بیش از آن را برای خود ناچیز می‌پندارد. عبادت خود را (نسبت به خالق) که بسیار کم‌تر از عبادت دیگران است، زیاد می‌شمارد. او مردم را سرزنش می‌کند اما خود سهل‌انگاری می‌نماید. کارهای بی‌بهره‌ای را که با ثروتمندان انجام می‌دهد، بهتر از ذکر خدا با بیچارگان می‌داند... از مردم، نه در راه خدا، بیم دارد ولی از خداوند، درباره مردم، هراسی ندارد.

علی (علیه‌السلام) را به حق می‌توان فردی ذوب‌شده در پروردگار دانست. در سخت‌ترین شرایط مادی از یاد خدا غافل نشد و از جمله در جنگ‌ها تنها و تنها برای رضای خدا مبارزه کرد و حتی قبل از آغاز نبرد، دشمنان خود را ارشاد و هدایت می‌فرمود.

تلقی این انسان الهی از دنیا، محلی است برای ذکر خدا و نزدیک شدن به او. همچنان‌که فرموده است:<sup>۲</sup>

۱. همان، صص ۹۱۴-۹۱۵.

۲. یعقوبی، احمدبن اسحاق، ۱۳۷۱ ه.ش. تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ج ۲. ص ۱۲۹.

دنیا سرای راستی است برای کسی که گفتار آن را باور کند و منزل سلامتی است برای کسی که آن را بفهمد و سرای توانگری است برای کسی که از آن توشه برگیرد. سجده گاه دوستان خدا و فرودگاه وحی او و نمازگاه فرشتگانش و تجارتخانه دوستانش است که رحمت را در آن به دست آورده و بهشت را بدان سود برده‌اند.

امام در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها در محضر خدا حاضر و مشغول عبادت بود. هنگام نماز و نیایش که فرا می‌رسید لرزش بر اندامش می‌افتاد، گویی که هول و هراس عجیبی او را دربرده باشد. در عین حال چهره‌ای گشاده و متبسم داشت؛ زیرا نیک می‌دانست خداوند کریم چهره‌های عبوس و گرفته را دوست نمی‌دارد. او یقین داشت آن که عبودیت خدا را حقیقتاً پذیرفت، باید در محراب زندگی نیز همهٔ شیاطین را کنار زند و تنها در مقابل دستگاه الهی بایستد و لذا از دیگر الهه‌ها و معبودهای خودپرستی، خودمحوری، جاه‌طلبی، برتری‌جویی و دنیاپرستی اجتناب نماید.

#### د) اطاعت از اولوالامر و نهی از سرپیچی از فرامین ایشان

شناخت آنچه که مورد پسند و رضایت خداوندی است - فی‌المثل شناخت «معروف» - در تمام موارد به آسانی امکان‌پذیر نیست. بنابراین متابعت هدایتگران الهی، اعم از پیامبران، امامان و نایبان امام، می‌تواند به این امر عینیت بخشد و بدیهی است آنچه را آنها نهی نمایند باید به عنوان نهی از منکر تلقی گردد.

امام علی (علیه‌السلام) نه تنها بر این نکته تصریح نموده، بلکه اطاعت از اولوالامر و نهی از سرپیچی ایشان را خود امر به معروف و نهی از منکر دانسته و فرموده است:<sup>۱</sup>

۱. ابن‌اعثم کوفی، همان، ص ۴۱۱.

...محافظة کردن از اوامر و نواهی خدای عزّ و جلّ، و اشارت نبوی را نیشیدن، سبب نجات و رهایی (است). بر اطاعت مواظبت نمایید و صلاح دین و دنیای خود را در انقیاد و متابعت اولوالامر شناسید.

با حاکمیت جانشینان شایسته پیامبر (اولوالامر)، امکان هدایت مردم به مسیر صحیح نیز فراهم می‌گشت و مفاد کتاب خدا در جامعه اجرا و نواهی خداوند در آن مطرود می‌شد، و از این رو است که در نامه‌ها و سخنان علی (علیه‌السلام)، قبل از آغاز جنگ صفین، بارها از نیت ایشان در عدم تأیید معاویه به عنوان استاندار شام اطلاع می‌یابیم تا آن حد که امام یکی از علل لزوم مبارزه با این بازمانده اشرافیت جاهلانّه اموی را قیام به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. موضوع حایز اهمیت اینکه امام حسین (علیه‌السلام) نیز سال‌ها بعد، هدف از مبارزه با یزیدبن معاویه را - که علی‌رغم ارتکاب انواع فسق و فجور، به ناحق از جانب پدر به خلافت گمارده شده بود - اصلاح امت جدش پیامبر خدا و امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌کند. امام علی (علیه‌السلام) در دعوت مردم به نبرد با معاویه، ضمن ارائه دلایلی مبنی بر ناحق بودن او و یارانش به علت ارتکاب افعال حرام، این اقدام را امر به معروف و نهی از منکر می‌خواند از این باب که مردم با اطاعت از او به عنوان اولوالامر، از گرداب گناه و معصیت و انجام نواهی خداوند نجات یابند. وی در نامه خود به یکی از کارگزاران چنین می‌انگارد:<sup>۱</sup>

هرگاه نامه من به تو رسید... به سوی ما بیا، باشد که با این دشمن بی‌پروا روبه‌رو شویم تا امر به معروف و نهی از منکر کنی و حق را به دست آوری و باطل را دورسازی.

نکته مهم در کلام امیرالمؤمنین همانا تأکید ایشان بر اطاعت از اولوالامر است که حق اقامه (امر به معروف)، و باطل رویگردان می‌شود (نهی از

منکر). ولی متأسفانه در طول تاریخ، به جز گروه‌هایی از مردم، عده کثیری دنیای خود را به آخرت ترجیح داده‌اند و اغلب تعداد یاران پیامبران و جانشینان شایسته آنها (آمران به معروف) از عده ستمکاران و طاغوتیان (ناهیان از منکر) کم‌تر بوده است. ترک امر به معروف و نهی از منکر - یا به بیان دیگر، ترک اطاعت از اولوالامر - البته نتایج ناخوشایندی را به دنبال دارد. امام در آخرین لحظات حیات خود در این باره فرموده است:<sup>۱</sup>

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بر اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، ستمگران بر شما مسلط می‌شوند سپس دعا می‌کنید و خدا اجابت نمی‌فرماید.

آن‌گاه امام علی (علیه‌السلام) این مردم را مستوجب غضب خداوند می‌داند و می‌فرماید:<sup>۲</sup>

خدا ملت‌های گذشته را در برابر شما به این جهت لعن می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند؛ نادانان را به خاطر نافرمانی و عاقلان را به خاطر ترک نهی از منکر.

از جمله مطالب حایز اهمیت، تأکیدات دیگر مولای متقیان بر اهمیت اطاعت از اولوالامر و نهی از سرپیچی از فرمان ایشان است و این امر کاملاً گویای پراهمیت بودن موضوع رهبری از نظر اسلام است؛ زیرا در حقیقت با وجود رهبران شایسته است که جامعه هدایت می‌یابد و «معروف» اقامه و «منکر» طرد می‌شود. ایشان در این خصوص می‌فرماید:<sup>۳</sup>

عجیب است! چرا از خطای ملت‌هایی که در دین خود اختلاف نظر دارند، نه به دنبال دستور پیامبر می‌روند، نه از عمل نایب رسول خدا متابعت می‌کنند، نه عقیده به غیب دارند و نه از عیب‌ها صرف‌نظر

می‌کنند، تعجب نکنم! در مطالب پیچیده و مشکل‌کار می‌کنند، راه شهوترانی را می‌پیمایند، معروف در نظر آنان مطالبی است که می‌دانند، و منکر به عقیده آنها چیزی است که آن را بد بدانند، در مشکلات به خویشان پناه می‌برند و در کارهای مهم به نظر خود تکیه می‌کنند، گویا هر فردی رهبر خویش است.

پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه از منظر علی (علیه‌السلام) آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر در یک جامعه اسلامی، از نظر حضرت علی (علیه‌السلام)، بسیار گسترده و حیاتی است و از سیره امام در این باره چنین برداشت می‌شود که این فریضة الهی مشتمل بر دو مقوله بسیار مهم آثار اجتماعی و آثار فردی است.

### الف) آثار اجتماعی

#### ۱. استقرار عدالت

در شرایطی که مؤمنین بتوانند در جامعه نهی از منکر نمایند، زمینه بی‌عدالتی نیز از بین خواهد رفت، زیرا در این صورت نظارت عمومی وجود دارد. امام می‌فرماید:<sup>۱</sup>

(امر به معروف و نهی از منکر) با برگرداندن مظالم (به صاحبان اصلی آن) و مخالفت با ستمگر همراه است.

#### ۲. اقامه حکومت صالحان

نظام اسلامی به رهبری افراد شایسته - یا به تعبیر امام، اولوالامر - در سایه امر به معروف و نهی از منکر استقرار می‌یابد که پیش‌تر بدان اشاره شد.

#### ۳. اجرای صحیح قوانین اسلام

در جامعه‌ای که آمرین به معروف و ناهیان از منکر فعال باشند، بهترین

۱. حرّ عاملی، همان، ص ۴۰۳.



شرایط برای اجرای قوانین اسلام فراهم خواهد شد و البته عکس آن نیز صادق است. از نظر علی (علیه السلام) امتناع از نهی از منکر سبب فراگیری شدن فساد در جامعه می شود و به تبع آن، کسی هم از رواج آن جلوگیری نخواهد کرد. پس در این شرایط چه گونه می توان قوانین اسلام را به نحو صحیح اجرا نمود.

۴. عقب نشینی مستکبران و فاسدان

در نظر امام علی (علیه السلام) با رواج و تقویت معروف و جلوگیری از منکر، فاسدان و زورگویان عرصه چندانانی برای خود نمی بینند و واضح است که جبهه مؤمنان نیز تقویت می شود. حضرت می فرماید:<sup>۱</sup>  
هرکس امر به معروف کند، مؤمنان را قدرتمند می سازد.

۵. ظهور ارزش ها و نفی ضد ارزش ها

مولی الموحدين بی توجهی به منکر و جلوگیری نکردن از آن را سبب انفصال قرآن و عاملان به آن، به کنار نهادن قرآن و پیروان آن و حاکمیت دشمنان خدا بر روی زمین می داند و به عکس اجرای این فریضة الهی را موجب رواج تقوای الهی، ذکر خدا و کشف حقایق قلمداد می نماید.<sup>۲</sup>

(ب) آثار فردی

۱. پاداش فراوان

علی (علیه السلام) می فرماید:<sup>۳</sup>

تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند آب دهانی است در میان دریا.

۱. فیض الاسلام، همان، ص ۱۱۰۰.

۲. شریف رضی، همان، صص ۳۳۶ و ۴۲۱.

۳. همان، ص ۱۰۰۸.

و البته این کلام چنان گویا است که محتاج توضیح بیش تر نیست.

## ۲. اصلاح نادان

امام (ع) راه آگاه ساختن نادان را در امر به معروف می دانند که از این طریق امکان اصلاح وی نیز فراهم می آید.<sup>۱</sup>

## ۳. افزایش روزی، درآمد و عمر

به تصور گروهی، ایفای این مسئولیت الهی می تواند موجبات کاهش عمر و یا نقصان درآمد فرد را فراهم سازد اما امیرالمؤمنین درباره این موضوع فرموده است:

امر به معروف ونهی از منکر، مرگ انسان را نزدیک نمی کند و رزق او را کاهش نمی دهد.

## خصوصیات امر به معروف و ناهی از منکر از منظر امام علی (علیه السلام)

فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، آثار عمیقی را بویژه در اجتماع می گذارد و بالطبع اثربخشی مناسب آن، در شرایط خاصی امکانپذیر است. صلاحیت ها و خصوصیات اشخاصی که می توانند از دیگران بخواهند کارهای پسندیده را انجام دهند و از آنچه زشت است دوری نمایند، به وضوح در مکتب اسلام بیان شده است و برای این منظور می توان به کتاب خدا و سنت مراجعه نمود. اما یکی از بهترین مراجع در این باره، سیره امیرالمؤمنین است؛ او که به حق قرآن ناطق بود و با گفتار و کردار خود برترین راهنمایان برای هر مسلمانی است. لذا مناسب تر دیدیم تا در اینجا به بیان برخی ویژگی های آمرین به معروف و ناهیان از منکر - با عنایت خاص به سیره علی (علیه السلام) - پردازیم.

● نسبت به معروف و منکر شناخت داشته باشند.

- خود عامل به معروف و تارک منکر باشند. این ویژگی تأثیر به‌سزایی را در اثربخشی و ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد و امام علی (علیه السلام) هم که خود در عمل آئینه کامل رعایت این امر بود، در کلامش نیز بارها بدان تأکید نموده است، تا آنجا که می‌فرماید:<sup>۱</sup>
- لعنت بر کسانی که امر به معروف می‌کنند و خود عامل بدان نیستند، و لعنت بر آنان که نهی از منکر می‌نمایند اما خودشان آن را انجام می‌دهند.
- در اجرای این فریضه، به زبان و دست (عمل) و قلب قیام نمایند. (اعتقاد درونی و راسخ به انجام معروف و ترک از منکر داشته باشند).
- آزاده باشند و از کسی در اجرای فریضه نهراسند.
- نسبت به مردم مهربان باشند.
- در اجرای صحیح این فریضه، با مردم به خوبی رفتار نمایند.
- در عمل به فریضه، هیچ‌گونه تبعیضی بین مردم قائل نشوند. (با آشنا و غریبه به یک منوال رفتار نمایند).
- در هر صورتی تقوای الهی پیشه کنند و اجرای این فریضه را برای رضای خدا بخواهند.
- صبر پیشه نمایند و مشکلات را به جان بخرند.
- از زبان شماتت‌کنندگان و افراد مأیوس، تزلزل به خود راه ندهند.
- ذکر خدا را در اجرای این فریضه، وجهه خویش سازند.
- در برابر آزار دیگران مقابله به مثل نمایند.

#### علی‌شناسی یا معروف‌شناسی

برای هر محقق بی‌طرف اما آگاهی، لحظه لحظه حیات پربرت امام علی (علیه السلام) مصادیق «معروف» و دوری از «منکر» است. وظیفه امر به

معروف و نهی از منکر، قبل از هر چیز دو شرط اساسی دارد؛ یکی بصیرت در دین و دیگری بصیرت در عمل و آنچه که سبب پرتوافشانی چهره حضرت در انجام این فریضه شده است، بصیرت کامل ایشان در دین و عمل، مسئولیت‌شناسی، پایبندی به معروف و دوری از منکر - ولو به قیمت از دست دادن مقام خلافت - و یا حتی خانه‌نشینی است.

امام علت سکوت خود را بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلم)، نهی از اختلاف و پراکندگی مسلمانان و تسلط کفر بیان می‌فرماید. با این حال پس از اینکه ولید بن عقبه بن ابی معیط، شرب خمر نمود، بدان سبب که برادر مادری خلیفه سوم بود، کسی برای اجرای حد بر او اقدام ننمود مگر مولای متقیان.

هرگز در مبارزه‌ای برای کسب قدرت شرکت نکرد و آن هنگام هم که به اصرار بیش از حد مردم، خلافت را پذیرفت هدف خویش را در پذیرفتن آن ایفای تعهدی دانست که عالمان در برابر خداوند دارند، و البته تنها در این شرایط است که می‌توان امکان اقامه معروف و نهی از منکر را فراهم ساخت. علی (علیه‌السلام) آرمان بشریت است. او امر او در راستای اوامر الهی و نواهی او نیز به همین‌گونه بود که در این مقاله تنها به بعضی از مصادیق آن اشاراتی شد. بسیاری از حاکمان و سیاستمداران در طول تاریخ شعارهای زیبا و جذابی را مطرح کرده‌اند حال آنکه پس از دستیابی به قدرت، آنها را به فراموشی سپردند و برای حفظ منافع خود بر اریکه قدرت، به شکل‌های دیگری عمل نمودند. اما امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) حتی به قیمت تحلیل رفتن نیروها و نهایتاً شهادت خویش، دست از عمل به احکام قرآن و سنت پیامبر اکرم برنداشت.